

روابط خارجی

آلیس، ون لوری

ترجمه

امیرحسین مهدی زاده

نشر همان

تهران-۱۳۹۶

روابط خارجی
Foreign Affairs

Alison Lurie

Random House, New York, 2006

ترجمه امیرحسین مهدی زاده

چاپ اول: آبان ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپ: غزال

ناظر چاپ: بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

نشر همان

تهران، خاندان خواجه نصیر طوسی،

خیابان پادشاهی عصر، شماره ۶،

مجتمع سیمین، طبقه اول، واحد ۳

تلفن ۷۷۶۲۸۹۸۶

www.hamanpub.com

Email: info@hamanpub.com

@hamanpub



پریست کتابخانه ملی

ترجمه: لوری، آلیسون، ۱۹۲۶ - م. Lurie, Alison

روان و نام پدیدآور: روابط خارجی / آلیسون لوری؛

ترجمه امیرحسین مهدی زاده.

مشخصات نشر: تهران، همان، ۱۳۹۶.

مشخصات طبع: ۴۰۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۲۰۰-۶

وضعیت فهرست نویسی: ف

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: مهدی زاده، امیرحسین، ۱۳۴۹ -، مترجم

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۸۰۴۶۵۸

کاغذ بالکی و سبک این کتاب در
کمپانی هولمن سوئد و با رعایت
قواعد زیست محیطی تولید شده
و دارای نشان استاندارد بین المللی
انجمن سرپرستی جنگل است.



MIX

Paper from
Responsible
Sources
www.fsc.org

قیمت: ۳۴۰۰۰ تومان

یادداشت مترجم

آلیسون لوری در سال ۱۹۲۶ در شیکاگو به دنیا آمد. یک گوشش به علت آسیبی که رفع بود دید، ناشنوا شد. پدرش جامعه‌شناس کلیمی سرشناسی بود که گرچه انتقادات محکمی نداشت ولی در جنبش ضد صهیونیست فعال بود، و مادرش در روزنامه‌ها مقاله و نقد و معرفی کتاب می‌نوشت. آلیسون خودش دوست داشت نقاش بشود اما پدر و مادرش او را به نویسندگی ترغیب می‌کردند. در دبیرستان، بود که او خود به نویسندگی علاقه‌مند شد.

در بیست و دو سالگی با مردی ازدواج کرد که مترجم و استاد ادبیات انگلیسی بود و از او صاحب سه پسر شد. آلیسون همچنان به نوشتن ادامه داد، ولی نوشته‌هایش بخت انتشار نمی‌یافتند. دومین فرزندشان که به دنیا آمد شوهرش پیشنهاد کرد نوشتن را به کلی کنار بگذارد. آلیسون نوشتن را کنار گذاشت، اما بیشتر از یک سال طاقت نیاورد و تصمیم گرفت به نوشتن ادامه دهد. حتی اگر داستان‌هایش هرگز منتشر نشوند. در این باره گفته است که در آن زمان، با وجود خانه‌داری، وقت آزاد زیادی برای نوشتن داشته است.

اولین اثر داستانی او با نام عشق و دوستی، که برگرفته از عنوان یکی از داستان‌های اولیه جین آستین است، در ۱۹۶۲ منتشر شد. انتخاب این عنوان حاکی از تعلق خاطر او به ادبیات انگلستان است.

لوری در سال ۱۹۶۸ در دانشکده زبان انگلیسی دانشگاه کورنل به تدریس روایت‌نویسی و ادبیات کودکان پرداخت. خود او در این باره می‌گوید: «چهار رمان منتشر کردم تا توانستم تدریس درسی در پایین‌ترین سطح را به عهده بگیرم. آن وقت‌ها وضع زن‌ها این‌طور بود.»

همکاری او با مؤسسات آموزش عالی تأثیر عمیقی بر نوشته‌هایش گذاشته است، به‌ویژه به‌دلیل تجربه‌های دوران دانشجویی و مشاهده‌های دوران تدریس که مصالح و مواد اولیه بسیاری از آثار او را فراهم کرده‌اند.

خمیرمایه اغلب داستان‌های لوری طنز اجتماعی است. او از همان ابتدا روابط و مراودات فضای دانشگاهی را در قالب طنز به نقد می‌کشد، طنزی که، بیشتر از همه، دانشگاهیان و نویسندگان و هنرمندانی را هدف می‌گیرد که از مسائل اجتماعی بالایی برخوردارند و شخصیت‌های پیچیده‌ای دارند. انزوا و ایزالت، سوادگی و فرهیختگی شخصیت‌های داستانی او، عوض آن‌که به رستگاریشان منجر شود، معمولاً به فاجعه می‌انجامد.

لوری «میش» زندگی را با قناعت سر کرده و، چنان‌که خود تأکید می‌کند، تا مدت‌ها به میچ «هوران» قدم نگذاشته است. او کتابی درباره زبان پوشاک نوشته و خودش هم سبیل خنک پوش است؛ با این حال، هیچ اهل خودنمایی نیست و هنوز که هنوز از لباس‌های دست‌دوم و اتومبیل قدیمی استفاده می‌کند.

او با محافظه‌کاری، و حتی بدبینی، به ان‌مال بشر می‌نگرد. حمایت جامعه فایده چندانی برای بهبود وضع و حال شخصیت‌های داستانی‌اش ندارد و برای آن‌ها که مسیر زندگی را همچنان کورمال کورمال طی می‌کنند هر چیز درستی به خرابی می‌گراید و بیشتر چیزهایی که خراب‌اند، خراب‌تر می‌شوند.

لوری همواره از حرکت‌های انتقادی و پیشرو حمایت می‌کند چنان‌که در جریان اعتراض به روابط دانشگاه کورنل با رژیم سابق نژادپرستان آفریقای جنوبی دستگیر می‌شود. او از سیاست‌های جاری آمریکا انتقاد می‌کند و سنای آمریکا حمایت دولت از ثروتمندان و بی‌توجهی‌اش به فقرا مخالف است. در جریان جنگ عراق در نقد عملکرد دولت گفته بود: «درحالی‌که کتابخانه‌ها چپاول و بیمارستان‌ها خراب شده بودند، سربازان داشتند از چاه‌های نفت محافظت می‌کردند.»

پنجمین رمان او، جنگ بین تیت‌ها، سال ۱۹۷۴ در صدر رمان‌های پُرفروش قرار گرفت. داستان این رمان، با پس‌زمینه‌ای از جنگ ویتنام، فراز و فرود زندگی زناشویی زوجی را در دانشگاه کورینت حکایت می‌کند.

یک سال بعد، زندگی زناشویی خودش هم دچار تلاطم می‌شود و در نهایت به جدایی می‌کشد، چون شوهرش به طرزی افراطی درگیر کاتولیسیم شده و به این نتیجه رسیده بود که از ابتدا نیایستی ازدواج می‌کرد. آلیسون در ۱۹۹۵ با او وارد هاور، نویسنده و استاد ادبیات ازدواج کرد.

او زمانی که آلیسون لوری تاکنون نوشته توجه منتقدان را برانگیخته و جایزه‌های زیادی بر او کرده است، از جمله جایزه فرهنگستان ادب و هنر آمریکا در ۱۹۸۸. جایزه پیترز ۱۹۸۴ که این دومی به هفتمین اثر او یعنی همین رمان تعلق گرفت. لوری معتقد است این که این جایزه مهم ادبی را زمانی برای او کسب کرده که در آن یکی، شخصیت‌های اصلی در پایان داستان می‌میرد اتفاق معنی‌داری است؛ به عنوان نمونه به خاطر علاقه‌ای که به شخصیت‌هایش پیدا می‌کند می‌کوشد، تا جایزه نوبل را بر او نصیب است، عاقبت خوشی برایشان رقم بزند. می‌گوید: «انگار تراژدی جایزه‌ها را به او می‌کند، کاری که کم‌دی نمی‌کند.»

در ترجمه این اثر مدیون دوستانی هستم که به پرسش‌های من پاسخ دادند، لغزش‌هایم را یادآور شدند و در ویراستن متن به من یاری رساندند؛ از همه‌شان سپاسگزارم.

ایرج حسین مهدی‌زاده

۱۳۹۰ - زمستان